



شاهکار ادبیات کودک و نوجوان انقلاب پس کی خلق می شوی؟

حمید قاسم زادگان

تأثیرپذیری ادبیات فارسی از ادبیات اسلامی همگام با تولد انقلاب اسلامی ایران، به نقطه عطف و اوج خود می‌رسد و به لحاظ اندیشه و احساس، چهره دیگری پیدا می‌کند. ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیاتی است گسسته از زمان‌زدگی و کهنه‌گرایی و در عین حال پیوسته با گذشته و زمان حاضر. می‌توان این ویژگی را اولین خصیصه ادبیات انقلاب دانست، اما دو اصل اساسی دیگر که از پیوستگی با اسلام سرچشمه می‌گیرد، عبارتند از: عرفان جامع به لحاظ اندیشه و پیام و متأثر از ادبیات اسلامی در حوزه فنون سخن‌آرایی و قلمرو الفاظ. آن چه اندیشه و پیام ادبیات انقلاب را از اندیشه و پیام ادبیات کهن متمایز می‌سازد، ظهور عرفان جامع یا عرفان حماسی و اجتماعی است. ادبیات گذشته ما به لحاظ اندیشه یا آیین تجلی روح حماسه بود یا جولانگاه عشق متعالی در پیچ و تاب وصل و هجران حضرت باری تعالی، یا گنجینه عقل و خرد و یا عرصه طرح جریان‌های اجتماعی و سیاسی. شاهنامه فردوسی، مصداق اندیشه نخست، غزلیات حافظ، مصداق عشق محوری، حدیقه سنایی و فرازهای عمده‌ای از مثنوی مولانا، مصداق گرایش سوم و شعر دوران مشروطه، از نوع گرایش چهارم است. ادبیات انقلاب اسلامی، کوشیده است از یک بعدی‌نگری دور شود و عشق آن تعقل، حماسه و سیاست گره خورده است که از آن به عرفان جامع تعبیر می‌شود. ایزدپناه، در کتاب «در قلمرو فلسفه و ادبیات و ادبیات دینی» (۱۳۶۷ ص ۵۷) عرفان جامع ادبیات انقلاب را حاصل نگرشی ویژه می‌داند و می‌نویسد:

«جامع‌نگری ادبیات انقلاب، حاصل نگرش جامع به قرآن و معارف اهل بیت(ع) است که از طریق محبت اولیای الهی، به نسل انقلاب منتقل می‌شود و در آثار هنری آنان نقش می‌بندد. به عبارت دیگر، اسماء صفات حضرت حق، در قرآن و شخصیت نبی اکرم(ص) جلوه‌گر می‌شود و از طریق محبت و عشق، در شخصیت اهل بیت(ع) عینیت پیدا می‌کند. آن‌گاه از طریق معرفت و محبت اهل بیت، در شخصیت ولی به حق و عارف کامل، امام خمینی(ره)، به منصف ظهور می‌رسد.»

موفقیت شعر انقلاب اسلامی، حضور و نقش آن در بستر زمان است. اما در قلمرو پیوستگی با صناعات و فنون به کار رفته در ادبیات کهن فارسی، متأسفانه هنوز جوان است و آن استحکام، جاودانگی و قدرتی که در شاهکارهای منظوم و منثور پیشینیان بود، در آن‌ها چندان نمودی ندارد و از سویی ادبیات کودک و نوجوان ما هنوز فاصله‌ای طولانی با ادبیات بزرگسالان دارد که در این فرصت، با رویکرد به انقلاب اسلامی تأملی در آن خواهیم کرد.

در ایران نیز مانند بیشتر کشورها، برای ادبیات کودک و نوجوان، پیشینه‌ای به معنای امروزی‌اش نمی‌توان یافت. در کتاب چون سوی تشنه از منظر مؤلف آن، محمدجعفر یاحقی (۱۳۷۴ ص ۲۳۸) می‌خوانیم: «کودکان در گذشته ادبی ما هرگز برای خود ادبیات مکتوبی به صورت مستقل نداشته‌اند. آنان از همان آغاز کودکی، با بزرگسالان هم‌گام و هم‌عنان بوده‌اند، در کوهسار و مزرعه پایه‌پای آنان کار می‌کردند و در مکتب و مدرسه، هم‌دوش آنان با قرآن و صد کلمه و حافظ و گلستان و دست بالای آن نصاب‌الصیبان، با الفبای آموختن روبه‌رو می‌شدند.»

در دوره‌های اخیر، به ویژه در عصر قاجار که تعلیم و تربیت به شیوه جدید و مدرسه‌ای در ایران مطرح شد، کسانی مانند عبدالرحیم تبریزی، معروف به طالبوف، با نوشتن داستانی‌های علمی و آموزشی و بعد از او شاعرانی مثل «ایرج میرزا»، از طریق سرودن اشعار کودکانه و آهنگین، راه را برای ادبیات کودکان هموار کردند. چهره برجسته‌ای که از پایه‌گذاران ادبیات کودک به شمار می‌رود و از دید تعلیم و تربیت به ادبیات کودک نگریده، جبار عسگرزاده (معروف به باغچه‌بان) است. او با سادگی بیان و صمیمیتی که در نمایش‌نامه‌ها و شعرهایش به چشم می‌خورد، کودکان را مجذوب کرده است. از دیگر نویسندگان در عصر پهلوی، صمد بهرنگی را می‌توان نام برد که در عصر فریب و ریا، مردمی‌ترین ادبیات کودکان را به وجود آورد.

از مهم‌ترین رویدادهایی که در زمان پهلوی می‌توان به آن اشاره کرد، خلق کتاب‌های تصویری بود. ادبیات کودک در آخرین سال‌های دهه سی، با دو کتاب «کدوی قلقله‌زن» و «نرگس و عروسک موطلائی»، رونق ویژه‌ای گرفت. در همین زمان، آثار خارجی نیز به تدریج برای کودکان و نوجوانان به فارسی برگردانده می‌شد، اما با توجه به نیاز کودکان آن دوره، آثار ترجمه پویایی لازم را نداشت. مترجمانی مانند علینقی وزیری، روحی اربابی، مهری آهی و ... افسانه‌های عامیانه ملل و افسانه‌های آندرسن را به زبان فارسی ترجمه کردند و در دسترس کودکان ایرانی گذاشتند.

پیش از انقلاب، ادبیات داستانی کودک و نوجوان، به عنوان یک حوزه خاص و با نگرش ویژه به گروه‌های سنی، چندان مطرح نبود؛ یعنی نویسندگان عموماً به «مخاطب‌شناسی» بی‌توجه بودند و نوع نگاه و بیان و زبان را در بیشتر آثار، مردانه و مناسب حال بزرگسالان بوده.

به هر روی، ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های قبل از انقلاب، چهره‌ای مطلوب و امیدوارانه نداشت و وضع کتاب‌های کودکان به گونه‌ای بود که کودکان یا به مطالعه و کتاب‌خوانی جذب نمی‌شدند یا علاقه آن‌ها به مطالعه، به سمت کتاب‌های پلیسی، جنایی و تخیلی و عشقی هدایت می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنیادهای باورشناختی و فکری مردم نیز متحول شد. از این‌رو، خیلی از نویسندگان پیش از انقلاب، همسو با انقلاب فرهنگ جدید را پذیرفتند و دست از ستیز احتمالی در آثارشان با مبانی دینی و انقلابی برداشتند. در این میان، هوشنگ مرادی کرمانی، با رشد در فضای جدید، آثاری پدید آورد که نه تنها در ادب داستانی ایرانی، بلکه در بسیاری از کشورها خوش درخشید. برای مثال در سال ۱۳۷۹، کتاب «بچه‌های قالی‌باف‌خانه» (۱۳۵۹)، در فهرست کتاب‌های نامزده جایزه «کریامایاسیفیک ۲۰۰۰» قرار گرفت.

تأثیرپذیری ادبیات فارسی از ادبیات اسلامی همگام، با تولد انقلاب اسلامی ایران، به نقطه عطف و اوج خود می‌رسد و به لحاظ اندیشه و احساس، چهره دیگری پیدا می‌کند. ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیاتی است گسسته از زمان‌زدگی و کهنه‌گرایی و در عین حال پیوسته با گذشته و زمان حاضر

گروه دیگری از نویسندگان همزمان با انقلاب، به دنیای نویسندگی رو آوردند و در قلمرو ادبیات داستانی کودک و نوجوان، آثاری درخور آفریدند. اینان از متن حوادث و رویدادهای انقلاب و جنگ برآمدند و کوشیدند نوعی از ادبیات دینی بزرگسالان را که در مقدمه این بحث از آن یاد کردیم، در قالب کودک و نوجوانان پایه‌ریزی کنند. ادبیات این دسته از نویسندگان تازه نفس، از پیام‌های و مضامینی از قبیل آزادی، اخلاق‌گرایی، دعوت به وحدت، پرورش روحیه‌ی عدالت‌جویی و مقاومت، همدلی و همکاری، تقویت شادابی و نشاط و... سرشار است. گروه مؤلفان، در کتاب آموزشی ادبیات کودکان و نوجوانان (۱۳۸۶ صص ۲۵ و ۲۶)، در زمینه ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب، به نتایج زیر می‌رسد:

- ۱- شکل‌گیری ادبیات کودک و نوجوان، به منزله نوع خاص ادبیات داستانی با مخاطب ویژه خود
- ۲- رشد و ترقی زاویه دید و دگرگونی نگرش‌ها و ارزش‌ها
- ۳- تغییر زاویه دید و دگرگونی نگرش‌ها و ارزش‌ها
- ۴- تعالی مضامین و محتوا
- ۵- تنوع موضوعی
- ۶- فزونی داستان‌های تألیفی بر داستان‌های ترجمه‌ای
- ۷- فراوانی داستان‌های دینی- مذهبی و رشد بازآفرینی و بازنویسی در این زمینه
- ۸- رشد مسایل اخلاقی و شکوفایی آموزه‌های تربیتی
- ۹- الگوپذیری از شخصیت و خلق و خوی حماسه‌آفرینان در دوران دفاع مقدس
- ۱۰- رشد واقعیت‌گرایی

اگر در بوته نقد و تحلیل، بخواهیم سی سال ادبیات کودک و نوجوان و حتی بزرگسالان را بشکافیم، باید ببینیم این پرسش نگارنده که «پس شاهکار ادبی کودک و نوجوان ایران پس از انقلاب کجاست؟» چه قدر قابل تأمل است؟ قطعاً بی‌انصافی است اگر بخواهیم ظرف سی سال که زمان ناچیزی از نظر قوام یافتن یک ادبیات است، متوقع خلق اثر ادبی شاخص باشیم. اما مایه تأسف آن است که چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، آن چه لطمه جبران‌ناپذیری به ادبیات کودک و نوجوان و در سرفصل‌های دروس دانشگاهی کم‌تر به آن بها داده شده، بحث نظریه ادبی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است؛ نظریه‌ای که به عقیده نگارنده، جریان فلسفه ادبیات دینی و حتی انقلاب اسلامی را ناکام رها کرده و برای حصول به آن، به تلاش بیشتر و تخصصی نیاز است.

**پیش از انقلاب،
ادبیات داستانی کودک و نوجوان،
به عنوان یک حوزه خاص و
با نگرش ویژه به گروه‌های سنی،
چندان مطرح نبود؛ یعنی نویسندگان
عموماً به «مخاطب‌شناسی»
بی‌توجه بودند و نوع نگاه و
بیان و زبان را در بیشتر آثار،
مردانه و مناسب حال
بزرگسالان بوده**

جاناناتان کالر، در کتاب خود نظریه ادبی (۱۳۸۲ ص ۱)، نظریه را چنین تعریف می‌کند: «نظریه در مطالعات ادبی، تبیین سرشت ادبیات یا شیوه‌های بررسی آن نیست. نظریه در مطالعات ادبی، مجموعه‌ای است از تفکر و نوشته که تعیین محدوده‌اش به غایت دشوار است...»

کالر (۱۳۸۲ ص ۹) نظریه را به منزله ژانر می‌داند و چنین ادامه می‌دهد: «راحت‌ترین نامی که می‌توان بر این ژانر متنوع نهاد، نام نظریه است که در حال حاضر به آن آثاری اطلاق می‌شود که بتواند تفکر را در عرصه‌هایی جز عرصه‌های به‌ظاهر متعلق به خود آن‌ها

به مبارزه بخوانند و جهت آن را تغییر دهند. این ساده‌ترین تبیین آن ویژگی است که سبب می‌شود چیزی را نظریه بدانیم. آثاری که نظریه تلقی می‌شوند، در ورای عرصه اصلی کار خود، تأثیر می‌گذارند.»

آنچه معلوم است، نظریه باید چیزی بیش از فرضیه باشد و نمی‌تواند بدیهی باشد؛ باید در آن روابط پیچیده و نظام‌مند، میان چندین عامل وجود داشته باشد و نتوان آن را به سهولت به‌خصوص در رابطه علت و معلولی و ظاهری، تأیید یا رد کرد. اگر این عوامل را به خاطر داشته باشیم، راحت‌تر می‌توانیم آن چیزی را که نظریه نام گرفته است، درک کنیم.

در پیوند با مباحث مطرح شده، این گمان پیش می‌آید که گروه پژوهشگران که در ۱۰ عنوان، ادبیات پس از انقلاب را بررسی کرده‌اند، به سطح پرداخته و اگر همه آثار انتشار یافته بعد از انقلاب اسلامی را خوانده باشند، بسیار غیر منصفانه، به‌ویژه از نظر تکنیک (چندی و چونی اشاره شده) و حتی مضامین، این آثار را تحلیل کرده‌اند. این گونه است که جای بحثی

برای تخصصی کردن ادبیات کودک و نوجوان، به ویژه در مباحث دانشگاهی بر جای نمی‌ماند. اما نگارنده، مشکل اصلی را در مسیر ناکام ماندن و خلق نشدن شاهکار ادبیات کودک و نوجوان، در مواردی می‌داند که اگر به آن‌ها ارجاع منطقی و صحیح شود، قطعاً در سال‌های آینده، شاهد شکوفایی آثار درخشانی در کنار بسط و گسترش تئوری ادبیات داستانی بعد از انقلاب خواهیم بود. این عوامل از این قرار است:

- ریشه‌کن کردن این باور غیر معقول که نوشتن برای کودکان و نوجوانان، راحت‌تر از نوشتن در عرصه‌های دیگر است. این باور نادرست سبب شده که بعد از انقلاب، بسیاری از نویسندگان، با اندک تجربه و تخصص در این حوزه ذوق‌آزمایی کنند.

- هم‌چنین در ترجمه آثار کودکان و نوجوانان، به دلیل حجم کم متن، سادگی زبان و ساخت متن، اشتیاق بسیاری را برای آزمودن بخت خویش تحریک کرده است که متأسفانه ناشران غیر حرفه‌ای نیز در ایجاد این اشتیاق در ذهن مترجمان، تازه‌کار بی‌تأثیر نبوده‌اند.
- در پژوهش‌های رسمی انجام شده، مشخص شده است که در دهه ۷۰، بیش از ۹۰ درصد نویسندگان فعال کودک و نوجوان، در تهران ساکن بوده‌اند. این تمرکز را در اعمال سیاست‌های دولت می‌توان جست‌وجو کرد؛ چرا که عدم توسعه مراکز فرهنگی و سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی در استان‌ها، نوعی انحصار جغرافیایی ایجاد کرده است که پیامدهای خاص خود را در زمینه ضعف ادبیات کودک و نوجوان بعد انقلاب را دارد.

- حرفه‌ای نبودن نویسندگان این عرصه، به این معنا که شغل اصلی آنان نوشتن برای کودکان و نوجوانان نیست و گاه برای تفنن می‌نویسند. تعداد نویسندگانی که کار اصلی آنان نوشتن برای کودکان است، به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و داستان‌های مربوط به انقلاب، غالباً به صورت سفارشی به آنان پیشنهاد می‌گردد.

- افزایش بهای کتاب هم یکی از مشکلات کتاب کودک و نوجوان است که معضلات اقتصادی و گرانی کاغذ از دلایلی است که باعث شده بیشتر ناشران، برای

در پژوهش‌های رسمی انجام شده، مشخص شده است که در دهه ۷۰، بیش از ۹۰ درصد نویسندگان فعال کودک و نوجوان، در تهران ساکن بوده‌اند. این تمرکز را در اعمال سیاست‌های دولت می‌توان جست‌وجو کرد؛ چرا که عدم توسعه مراکز فرهنگی و سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی در استان‌ها، نوعی انحصار جغرافیایی ایجاد کرده است که پیامدهای خاص خود را در زمینه ضعف ادبیات کودک و نوجوان بعد انقلاب را دارد

تضمین فروش کتب خود، به ترجمه روی بیاورند.

- مسأله توزیع نامناسب کتاب نیز به علت ناهماهنگی‌های زیاد، باعث کم شدن جذابیت و عدم دسترسی مخاطبان به کتاب‌های مورد علاقه خود است.

- نبودن جریان نقد مستمر و نشست‌های تخصصی ویژه برای کتاب‌های چاپ شده در حوزه انقلاب اسلامی
- سیاست‌های نظارتی و بعضاً سلیقه‌ای، یکی دیگر از مصادیق رشد نیافتن ادبیات کودک و نوجوان انقلاب اسلامی است.

- حضور ضعیف آثار ادبی کودک و نوجوان، با مضامین انقلاب و جنگ تحمیلی در عرصه‌های بین‌المللی، از دیگر نقاط ضعفی است که باعث شده پدیدآورندگان این نوع ادبیات، کم‌تر به آن روی خوش نشان دهند.

منابع:

۱. اکبرلو، منوچهر؛ اقتباس ادبی برای سینمای کودک و نوجوان، نشر فارابی، ۱۳۸۴
۲. قاسم‌پورمقدم، دکتر حسین - اکبری، فریدون - یارویسی، منصور؛ ادبیات کودک و نوجوان، نشر آیندگان، ۱۳۸۶
۳. پولادی، کمال؛ بنیادهای ادبیات کودک، نشر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۴
۴. کاربخش‌راوی، ماشاءالله؛ چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌مند کنیم، نشر مدرسه، ۱۳۸۶
۵. کالر، جانانان؛ نظریه ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، ۱۳۸۲
۶. مجله ادبیات داستانی، شماره ۱۰۸، ناشر حوزه هنری